

## روش‌های اثبات و ثوق به صدور احادیث با تکیه بر روش میرحامدحسین در حدیث طیر

سید حسن موسوی اصل<sup>۱</sup>

**چکیده:** در علوم حدیث، روش‌های مختلفی برای اثبات صحت استناد به روایات قابل استفاده هستند. از جمله روش‌های متداول، بررسی رجال سند روایات برای پی بردن به صحت، حسن و ضعف آنها است. اما به نظر می‌رسد می‌توان بدون تصحیح سند نیز مسیر استناد به روایت را هموار ساخت. این نوشتار به هدف شناسایی چنین روش‌هایی و اجرای آنها در سایر احادیث صورت گرفت. با مطالعه توصیفی-تحلیلی حدیث طیر در کتاب عبقات الانوار فی امامة الائمه الاطهار دریافت شد که میرحامد حسین بدون اینکه نیاز به بررسی آحاد راویان حدیث طیر از منظر علمای رجال داشته باشد، استناد به روایت را موجه ساخته و از آن در جدال با اهل سنت بهره برده است. نتیجه این است که او با اثبات تواتر و شهرت حدیث و بررسی اعتبار کتب و قواعدی از خود اهل سنت، در باب امامت استناد به حدیث طیر نموده است و حاصل مهم این روش، شکست انحصار قطعیت صدور حدیث در تصحیح رجالی سند خواهد بود.

**کلیدواژه‌ها:** تواتر سازی، اعتبار منابع، و ثوق صدور، شهرت.

\* دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۶؛ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۵.

۱. دانش پژوه سطح چهار مرکز تخصصی امام شناسی، پژوهشگر مرکز پژوهشی مطالعات امامت و ولایت،

mousaviasl.s.h@gmail.com

## ۱. درآمد

سنت و احادیث معصومین علیهم‌السلام خصوصاً نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از مهمترین منابع معرفتی مسلمین است. منابع نقلی-روایی برای شیعه شامل احادیث چهارده معصوم علیهم‌السلام و برای اهل سنت احادیث پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و صحابه ایشان است. از این روی برای شناخت روایات صحیح از سقیم و همچنین روایاتی که قابلیت احتجاج مذاهب اسلامی در رویایی با یکدیگر را دارند، علم رجال شناسی بنا نهاده شد. چرا که یکی از راه‌های پیش پا افتاده برای شناخت اعتبار هر روایت بررسی راویان آن است. حال باید دید آیا این تنها راه پیش روی یک اندیشمند اسلامی است؟

روش شناسی از علوم نورواج در عرصه‌های مختلف است که این اواخر بسیار مورد توجه دانشمندان حوزه‌های گوناگون علمی قرار دارد. از مهمترین فوائد روش شناسی می‌توان به شناخت روش‌های صاحب نظران دیگر اشاره کرد تا در نهایت آنها را مورد نقد قرار داده یا لاقط طبق مبانی پذیرفته شده ایشان برای اقناع آنها مورد استفاده قرار داد. میرحامد حسین از علمای بزرگ هند با توجه به تأثیر کتاب «تحفه اثنی عشریه» در جامعه آن روز، به رویارویی با عبدالعزیز دهلوی پرداخت و باب هفتم کتاب او پیرامون امامت را در چندین جلد مورد نقد و بررسی قرار داده است. با توجه به رویکرد جدلی میرحامد حسین در کتاب عبقات الانوار، او ناگزیر باید روش‌هایی که نزد اهل سنت برای صدور حدیث معتبر است را یافته و از همان نقاط، روایات امامت امیرالمومنین علیه‌السلام را اثبات می‌نمود. لذا بسیاری از صفحات کتاب عبقات الانوار بیان مبانی قابل قبول خود اهل سنت در حوزه حدیث و رجال است.

این امکان وجود دارد که برخی از روایات در پالایش رجالی سلسله سند خود حذف شوند و مورد استناد قرار نگیرند اما آیا می‌توان تمام این روایات را نادیده گرفت؟ در نوشتار حاضر روش‌های میرحامد حسین برای اثبات صدور روایت طیر بدون بررسی آحاد راویان مورد مطالعه قرار گرفته است. برخی از این روش‌ها در میزان وثاقت به صدور روایت، قوی تر از بررسی آحاد راویان عمل کرده و اطمینان بیشتری را حاصل نموده اند.

همه روش‌های مطرح شده در این زمینه در کتب مختلف حدیثی، کلامی و تفسیری مورد استفاده قرار گرفته‌اند اما شاید به عنوان «روش» مورد صراحت قرار نگرفته باشند. از طرفی با توجه به اینکه راه‌های گوناگونی برای این هدف وجود دارد ممکن است هر دانشمندی به صورت گزینشی در راستای مقصد تالیف خود از این روش‌ها بهره جسته باشد. لذا روش هر اندیشمندی لزوماً با دانشمندان دیگر یکی نبوده و متفاوت است. شرایط نگارش آثاری که مورد روش‌شناسی قرار می‌گیرند نیز ممکن است دارای تفاوت‌هایی باشد. آثار گاه در آزادی بیان و زمان حکومت حکمرانهای موافق با مولف در مذهب و گاه در تنگناهای تاریخی و در برخی مواقع در مواجهه با آثار دیگر علما قلم زده می‌شوند. در این نوشتار به چندین روش کلی برای استحکام بخشی به روایات پرداخته شده و در صورت تعدد موارد هر روش، آنها نیز مورد پردازش و تمثیل قرار داده شده است. برخی از این روش‌ها مانند تواتر سازی و شهرت روایی، مورد قبول فریقین و برخی دیگر همانند مبانی قاضی عیاض و دهلوی نتیجه رویکرد جدلی با اهل سنت هستند.

## ۲. وجود تواتر

بالاترین درجه‌ای که برای استحکام یک حدیث مورد بررسی قرار می‌گیرد، تواتر حدیث است. تواتر موجب علم به صدور حدیث بوده (همدانی، ۹) و حدیث متواتر به حدیثی می‌گویند که جماعتی آن را نقل نمایند که عادتاً محال است بر کذب توافق پیدا کرده باشند (حموی، ۳۱؛ جرجانی، ۸). با توجه به اینکه حدیث متواتر موجب علم قطعی به صدور حدیث است و نزد فریقین از جایگاه والایی برخوردار است، در اثبات و جدال بر پایه احادیث همیشه مورد عنایت علما قرار دارد. اگر حدیثی در نقل به حد تواتر رسیده باشد، علما عمل به آن را لازم دانسته و نیازی به بررسی رجال و راویان آن نیز نخواهد بود (عسقلانی، ۱۴۲۱ق، ۴۵).

## ۲-۱. اثبات تواتر محصل

برای اثبات تواتر در یک حدیث، باید شروط تواتر در تمام طبقات اجرا شود. یعنی در

تمام طبقات راویان باید کثرت ایشان به حدی باشد که توافق ایشان بر کذب عاداتاً محال شماره شده شود (عسقلانی، ۱۴۲۱ق، ۴۳). این مساله هم در شیعه و هم اهل سنت مورد اتفاق است و اگر شیعه نیز چنین مساله ای را شرط نمی‌دانست، در راستای یک مبحث علمی و جدل صحیح با اهل سنت، شیعه باید بر مبانی اهل سنت مطلب را بر ایشان واضح نمایند و در موارد عکس نیز، اهل سنت باید بر مبانی شیعه ایشان را مجاب نمایند. از همین روی میرحامد حسین در سه مرحله به شمارش روایت پرداخته است. ابتدا علما و بزرگانی از اهل سنت که حدیث طیر را نقل نموده و یا در کتب خود نگاشته‌اند، نام می‌برد و سپس تابعینی که مشمول حدیث خیر القرون هستند و در روایت این حدیث نقش داشته‌اند را متذکر می‌شود. در نهایت و در طبقه اول اصحابی که جایگاه والایی نزد اهل سنت دارند و بسان ستارگانی هستند که هر یک از ایشان می‌توانند امتی را هدایت کنند بر می‌شمارد که همگی از رسول الله ﷺ نقل روایت طیر نموده‌اند.

## ۱-۱-۲. صحابه

میرحامد حسین ۹ تن از اصحابی که حدیث طیر را روایت نموده‌اند به همراه علمایی که حدیث هر یک از صحابه را در آثارشان وارد کرده‌اند، بر می‌شمارد. در تتبع میرحامد حسین، امیرالمومنین ع (حاکم نیشابوری، ۱۴۱: ۳؛ ابن مغزالی، ۱۷۰؛ ابن کثیر، ۸۲/۱)، عبدالله بن عباس (عسقلانی، ۱۴۲۰ق، ۱۲۱/۱۶)، ابوسعید خدری (حاکم نیشابوری، ۱۴۱/۳)، سفینه (بزار، ۲۸۷/۹)، ابوالطفیل عامر بن واثله (ابن مغزالی، ۱۷۰)، انس بن مالک (ترمذی، ۶۳۶/۵)، سعد بن ابی وقاص (ابونعیم اصفهانی، ۳۵۶/۴)، عمرو بن عاص (اخطب خوارزم، ۱۹۹ و ۲۰۰) و ابو مرزم یعلی بن مرة بن وهب بن جابر (عسقلانی، ۱۴۲۰ق، ۱۱۸/۱۶) اصحابی هستند که حدیث طیر را روایت نموده‌اند.

در گزارشات علمای اهل سنت نام دو نفر دیگر از اصحاب نیز که این حدیث را روایت کرده‌اند، موجود است. ابن عساکر در تاریخ دمشق سلسله راویان حدیث طیر را به جابر بن عبدالله انصاری (ابن عساکر، ۲۴۵/۴۲) رسانده است. ابن کثیر نیز در البدایه و النهایه حبشی بن جناده (ابن کثیر، ۸۳/۱۱) را از راویان حدیث طیر دانسته و ایشان نیز در زمره اصحاب

رسول الله ﷺ شماره می‌شوند. یعنی در نهایت حدیث طیر از یازده نفر از اصحاب رسول الله ﷺ نقل شده است. جدا از اصحابی که به نقل این روایت پرداخته‌اند، اصحاب شورا نیز در نقل این روایت از امیرالمومنین (ع) سکوت کرده‌اند (موسوی، ۱۰۷/۱۳) و در واقع این سکوت را نیز می‌توان حاکی از صحت این روایت در نظر ایشان دانست و بر حکم به تواتر روایت استحکام بیشتری بخشید.

## ۲-۱-۲. تابعان

میرحامد حسین ذیل حدیث طیر و در راستای اثبات صدور و تواتر آن، بیش از نود نفر از تابعین را می‌شمارد که حدیث طیر را روایت نموده‌اند و همچنین علمایی که احادیث این تابعین را در آثار خود نقل نموده‌اند را به تفکیک هر یک از تابعین متذکر می‌شود. در ادامه به دلیل اینکه نقل جایگاه هر یک از ایشان طولانی خواهد شد به وصف عمومی تابعین پرداخته و جایگاه ایشان از منظر رسول الله ﷺ و علمای حدیث و رجال را بیان می‌نماید (موسوی، ۶۷/۱۳ و ۶۹). مبحث بیان جایگاه تابعین در کتاب عبقات الانوار را بر محور حدیث خیرالقرون می‌توان یافت چرا که در این روایت پیامبر گرامی اسلام ﷺ به بیان بهترین افراد و درجه بندی قرون پرداخته‌اند.

طبق روایتی که ابن حبان در کتاب الثقات و در ابتدای بحث تابعین آورده است، بهترین افراد امت پیامبر ﷺ قرن‌هاست که ایشان در بین آنها مبعوث شده‌اند (اصحاب) و سپس قرن بعد از ایشان (تابعین) و در نهایت قرن‌ها که بعد از ایشان (تابعین تابعین) می‌آیند (ابن حبان، ۶/۱). از این روی افرادی که پیامبر گرامی اسلام ﷺ بهترین امت معرفی کرده باشند از تاییدات آن جناب بهره مند بوده و در توثیق ایشان شکی راه نمی‌یابد. در پی این حدیث عبدالعزیز بن احمد بن محمد در کشف الاسرار نیز به این مطلب اشاره نموده است که در پذیرش مراسیل تابعین و اصحاب به جهت همین شهادت پیامبر ﷺ هیچ تفاوتی نخواهد بود چرا که طبق این حدیث عدالت همه تابعین ثابت است (علاءالدین بخاری، ۴/۳؛ موسوی، ۶۸/۱۳) و عبدالعزیز دهلوی نیز که عبقات الانوار در جواب از کتاب تحفه او نوشته شده است به همین مطلب اذعان داشته و در مقام جدل نیز می‌توان او

را ملتزم به این قاعده نمود (عبدالعزیز دهلوی، ۱۳۰؛ موسوی، ۶۸/۱۳). در مقام عمل به این حدیث می‌توان گفت یکی از فضائل ابوحنیفه را همین دانسته‌اند که او کسی را دیده که پیامبر ﷺ را مشاهده نموده است (حسینی بخاری، ۹۰). ناگفته نماند که سیوطی نیز در باب فضیلت این قرون ثلاثه رساله ای مستقل تالیف نموده است و خود نشان از این دارد که اهل سنت برای این سه طبقه جایگاه ویژه ای قائل بوده و این روایت از پیامبر گرامی اسلام ﷺ را کاملاً قبول دارند (موسوی، ۶۸/۱۳).

### ۲-۱-۳. طبقات دیگر

میرحامد حسین تواتر را در طبقات صحابه و تابعین به درستی اثبات نموده و در طبقات بعد نیز حدود ۹۰ نفر از روایت کنندگان حدیث طبر و یا معترفین به صحت آن را نام میبرد که از جمله ایشان روایت ابوحنیفه (ابن اثیر، ۱۰۲/۴؛ موسوی، ۱۱۷/۱۳)، احمد بن حنبل (احمد بن حنبل، ۱۴۰۳، ق، ۵۶۰/۲؛ موسوی، ۱۱۸/۱۳)، ترمذی (ترمذی، ۶۳۶/۵؛ موسوی، ۱۳۴/۱۳) و بلاذری (بلاذری، ۱۴۲/۲؛ موسوی، ۱۶۶/۱۳) است که از بزرگان حدیث به شمار می‌روند و این ناقلین را تا قرن سیزدهم بر می‌شمارد تا در تمام طبقات چنین تواتری ایجاد شود.

با توجه به اینکه میرحامد حسین کتاب طبقات الانوار را در جواب نوشته دهلوی تالیف نموده است، رویکرد جدلی او نیز در جای جای این کتاب مشهود بوده و از این روی جلالت شان هر یک از این ناقلین را برشمارده و میزان اعتبار و وثوق علمای اهل سنت به آنها را متذکر می‌شود هرچند که در تواتر، عدالت (زرکشی، ۳۲۲/۱) و بلکه اسلام نیز شرط نیست و صرفاً حصول اطمینان به صدور حدیث با توجه به عدم احتمال توافق بر کذب راویان لحاظ می‌شود.

### ۲-۲. اثبات تواتر از طریق جدل

برای تواتر در بیان اکثر علمای شیعه و اهل سنت عدد خاصی بیان نشده و صرفاً ملاک آن را حصول یقین به صدور خبر دانسته‌اند. از این روی شاید در بسیاری از احادیث عده ای از علما ادعای وجود تواتر کرده و عده ای دیگر این ادعا را نپذیرفته باشند. اما در مقام جدل با اهل سنت می‌توان قضاوت علمایی که قائل به تواتر برخی

احادیث شده‌اند را با وجود اینکه در طبقه صحابه چهار نفر یا کمی بیشتر ناقل حدیث وجود دارد، بیان کرد.

ابن حجر در کتاب صواعق روایت «مروا ابابکر فلیصل بالناس» را با نقل هشت نفر از صحابه متواتر دانسته است (هیتمی، ۵۹/۱؛ موسوی، ۶۹/۱۳). ابن حزم قرطبی نیز احادیثی را در نتیجه نقل چهار یا پنج نفر از صحابه متواتر دانسته است (موسوی، ۶۹/۱۳). میرحامد حسین در این زمینه از ابن حزم و ابن حجر یاد کرده است ولی نمونه‌های بیشتری نیز موجود است. به عنوان مثال طحاوی درباره روایتی که از شش صحابه نقل شده است می‌نویسد: «فهذه الآثار قد تواترت عن رسول الله صلى الله عليه وسلم بالسجود في المفصل فيهما» (طحاوی، ۳۵۹/۱). کتانی و ابن تیمیه نیز با روایت هفت (کتانی، ۱۳۴؛ ابن تیمیه، ۱۴۱۶ق، ۲۳۷/۲۲) و نه (کتانی، ۸۱) نفر از صحابه روایت را متواتر دانسته‌اند. کتانی در همین راستا از قول سیوطی هر روایتی که ده نفر از صحابه روایت نموده باشند را نزد اهل حدیث متواتر دانسته است<sup>۳</sup>. با وجود اینکه منابع موجود در دست میرحامد حسین محدودیت داشته است، ایشان روایت طبر را منقول از ۹ صحابه دانسته‌اند که همین مقدار نیز با قبول علما به تواتر در عمل مواجه گشته است. البته در این نوشته حدیث طبر از دو صحابه دیگر (ابن عساکر، ۲۴۵/۴۲؛ ابن کثیر، ۸۳/۱۱) نیز روایت شده است تا طبق اعتراف سیوطی و کتانی نزد اهل سنت قطعا متواتر محسوب شود.

میرحامد حسین با نقل شروط تواتر از زبان ایجی نیز در صدد اثبات تواتر برآمده است. او می‌نویسد که ایجی سه شرط را برای تواتر لازم دانسته است. اول اینکه تعداد روات به حدی باشد که توافق ایشان به کذب محال باشد. شرط دوم این است که خبر مخبرین مستند به حس باشد و شرط آخر نیز این است که تواتر در تمام طبقات حفظ شده باشد

۱. «فهؤلاء أربعة من الصحابة، فهو نقل تواتر لا تحل مخالفته» (قرطبی، بی تا، ۱۳۵/۲)

۲. «فهؤلاء أربعة من الصحابة رضی الله عنهم فهو نقل تواتر لا تحل مخالفته» (قرطبی، بی تا، ۱۳۵/۲، ۷/۹)

۳. «فهذا نقل خمسة من الصحابة بالطرق الثابتة فهو نقل تواتر» (قرطبی، بی تا، ۴۵۳/۸)

۴. «وقد قال الحافظ السيوطی فی الأزهار المتناثرة فی الأخبار المتواترة أن كل حدیث رواه عشرة من الصحابة

فهو متواتر عندنا معشر أهل الحدیث» (کتانی، بی تا، ۱۶)

ایجی، ۴۰۸/۲؛ موسوی، ۱۰۸/۱۳) و هر سه شرط مذکور در کلام ایجی بر حدیث طبر منطبق است. لذا ایجی و علمایی که قائل به این شروط برای ایجاد تواتر هستند، باید حدیث طبر را متواتر بدانند.

### ۳. اثبات شهرت و کثرت روایی در منابع فریقین

شهرت روایت هم از منظر اصول و فقه و هم در مباحث کلامی برای استحکام جایگاه حدیث مورد عنایت واقع شده است و آن را باعث جبران سند دانسته‌اند. حدیث طبر نیز هم از منظر روایان و هم منابعی که نقل آن نموده‌اند، دارای شهرت بوده و تعدد روایات طبر هر دانشمندانی را بی‌نیاز از بررسی سند آن خواهد کرد.

#### ۳-۱. بیان اسامی روایان

اسامی روایان در بررسی اسناد معمولاً برای توثیق و تضعیف روایان و میزان اعتبار سند روایات ذکر می‌شود. اما میر حامد حسین اسامی روایان را در جهت اثبات تواتر و شهرت در تمام طبقات ذکر نموده است. هرچند که او از اعتبار بالای برخی از روایان و صاحبان اثر بهره برده است اما بدون نیاز به بررسی یک سند خاص از حدیث طبر، احتجاج به این حدیث را موجه نموده است.

#### ۳-۱-۱. شمارش روایان از قرن دوم تا سیزدهم و مشایخ شاه ولی الله

در بحث تواتر مطرح گشت که میر حامد حسین اسامی ۸۷ نفر از روات حدیث طبر از قرن دوم تا سیزدهم را نگاشته است (موسوی، ۴/۱۳). او همچنین سی و سه تن از محدثین و علمای بزرگ از مشایخ اجازه پدر دهلوی شاه ولی الله را که از طریق مشایخ سبعة خود از ایشان روایت نموده و به همین جهت نیز شکر خدا می‌نماید (دهلوی، بی‌تا، ۳)، بر می‌شمارد (موسوی، ۸/۱۳). شاه ولی الله تصریح نموده است که فضل این علما ثابت و محقق و اجماعی است. از جمله این علما که روایت طبر را نقل کرده‌اند می‌توان ابو حنیفه، احمد بن محمد بن حنبل شیبانی، ترمذی، عبد الله بن محمد بن حنبل شیبانی، بزار، نسائی و طبری را نام برد (موسوی، ۸/۱۳).

## ۲-۱-۳. ناقلان ثقه

در میان علمای بزرگی که روایت طیر را نقل نموده اند، احمد بن حنبل نیز وجود دارد که به تصریح برخی از علما از غیر ثقه نقل نمی‌نماید (سبکی، ۱۴۱۹ق، ۷۵). میرحامد حسین از این مطلب ثبوت و ثوق و اعتماد به روایت حدیث طیر که توسط احمد روایت شده است را نتیجه می‌گیرد. چراکه منظور از روایت نکردن از طریق غیر ثقه یا بی واسطه و با واسطه است و یا فقط بدون واسطه. اگر مقصود از این مطلب نقل بی واسطه و با واسطه باشد که وثوق تمام روایت طیر که احمد از ایشان روایت نموده است، ثابت خواهد شد و اگر مقصود فقط بی واسطه باشد که باید گفت هر وجهی که برای ترک حدیث از غیر ثقه بی واسطه وجود دارد، همان نیز در ترک حدیث از غیر ثقه با واسطه نیز وجود دارد لذا باید وثاقت تمام روایت حدیث طیر از جانب او ثابت شود (موسوی، ۱۳/۱۲۱).

## ۲-۳. وجود روایت در منابع فریقین

یکی از شواهدی که میرحامد حسین برای اثبات صدور حدیث ذکر می‌کند (موسوی، ۱۱۰/۱۳) و قطعاً برای اثبات شهرت نیز راهگشا خواهد بود، وجود حدیث طیر در لسان روایت والا مرتبه از فریقین است. وجود پررنگ این روایت در منابع فریقین در حدی که است که می‌توان استفاده تواتر برای این روایت نمود و شهرت و صحت این حدیث را در پی خواهد داشت.

## ۳-۳. تالیف کتاب و رساله مستقل در باب حدیث طیر

هفت نفر از علمای بزرگ اهل سنت در باب حدیث طیر و خصوصاً جمع اسانید این روایت کتاب و رساله مستقل تالیف نمودند (موسوی، ۴۶/۱۳). این علما عبارتند از: طبری، ابن عقده، حاکم نیشابوری، ابونعیم اصفهانی، ابن حمدان، ذهبی و ابن مردویه اصبهانی. میرحامد حسین در این باب می‌نگارد که از تالیف این بزرگان شهرت نزدیک به یقین حاصل می‌شود. چراکه تفاهم این همه روایت در هر طبقه بر کذب در روایت کردن حدیث طیر عادتاً محال است (موسوی، ۴۶/۱۳). لکن اگر هم این مطلب صحیح نباشد تالیف این همه کتاب مستقل در این باب دلالت بر تکثر و تعدد طرق و صحت (سبکی، ۱۴۱۳ق، ۴/۱۶۵)

این روایت دارد و اگر حدیثی صحیح و بلکه حسن هم نباشد وقتی به این درجه از تعدد طرق برسد که برایش رساله‌ای مستقل تألیف شود، کمتر از درجه حسن نخواهد داشت (مناوی، ۱۶۹/۱). در ادامه می‌نویسد که حتی اگر حدیث طیر را حسن هم ندانیم از باب قاعده «کثرة الطرق یقوی بعضها بعضا» این حدیث قوی و قابل احتجاج خواهد بود (عسقلانی، ۱۳۷۹ق، ۶۷/۸) و همین کثرت طرق باعث رد طعن و صیانت از ورود جرح و قدح بر حدیث خواهد بود (مناوی، ۱۲۰/۱).

باید به این نکته توجه داشت که اگر فردی از حفاظ حدیث، حدیثی را روایت کند و وضعیت آن را بیان نمایند به گفته ذهبی برای آن حافظ ننگ و عار خواهد بود (ذهبی، ۳۷/۳). حال که این هفت نفر در باب این روایت کتاب جداگانه تصنیف کرده‌اند اگر معتقد به ضعف باشند و آن را بیان نکرده باشند برای ایشان مایه ننگ علمی خواهد بود چرا که موجبات جهالت و شیوع خبر باطل را فراهم نموده‌اند (سبکی، ۱۴۱۳ق، ۱۶۶/۴).

#### ۴. استناد به کتب معتبر اهل سنت

یکی از مطالبی که در استحکام صدور و صحت روایت موثر می‌باشد، وجود روایت در کتب معتبر است. برخی از کتب مثل صحاح سته و مناقب احمد بن حنبل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند. از جمله کتابهایی که حدیث طیر در آنها روایت گشته المناقب احمد بن حنبل، صحیح ترمذی متعلق به او، مستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری، الابانه متعلق به ابن بطه، تاریخ بغداد خطیب بغدادی، مسند ابو یعلی و هجده کتاب معتبر دیگر است که علامه هر یک از آنها را نام برده و ذکر می‌نماید که کدام یک از علما این کتب را روایت کرده‌اند (موسوی، ۵۴/۱۳). در ادامه بیان می‌کند که روایت کل کتاب مستلزم روایت جزء نیز هست و هر شیخی که در سلسله روایت این کتب واقع شده است، راوی حدیث طیر محسوب خواهد شد (موسوی، ۶۲/۱۳).

#### ۵. اعتراف قولی و عملی علما به صدور حدیث

دیدگاه‌ها، قضاوت‌ها و تعامل علما در مواجهه با روایات می‌تواند زوایایی از چگونگی برخورد با آن روایات را مشخص سازد. برخی از علما ممکن است به صحت روایت صراحت

بورزند و برخی نیز با عمل و نوع گویش خود قطعیت حدیث را نمایان سازند. میر حامد حسین از این منظر نیز حدیث طیر را بررسی نموده است.

### ۱-۵. اعتراف علما به صدور حدیث

قاعده ای در میان محدثین مشهور است که اگر روایتی را صحیح یا حسن ندانند، آن را با صیغه جزم به پیامبر گرامی اسلام ﷺ نسبت نمی دهند. عبارات «قال»، «فعل»، «امر»، «نهی» و دیگر عباراتی که دلالت بر قطعیت نسبت به پیامبر ﷺ می باشند فقط در صورت حسن یا صحت حدیث از محدثین صادر می شود. اما در جایی که باور به صحت و حسن حدیث وجود نداشته باشد از عبارتی نظیر «روی عنه»، «جاء عنه» و «یروی» استفاده می نمایند (نووی، ۷۱/۱؛ سیوطی، بی تا، ۱/۲۳؛ موسوی، ۵۱/۱۳).

میر حامد حسین نیز اسامی هفت نفر از علمایی که این روایت را با جزم روایت کرده اند بیان می دارد و همین مطلب را به عنوان باور این علما به صدور حدیث از پیامبر گرامی ﷺ عنوان می نماید. ابو الحسن مسعودی (مسعودی، ۲/۴۲۵)، ابن عبدالبر (موسوی، ۵۱/۱۳)، محمد بن طلحه شافعی (شافعی/۷۶/۱؛ موسوی، ۵۱/۱۳)، صفوری (صفوری، ۲/۱۶۲)، ابن روزبهان (موسوی، ۵۱/۱۳)، جفری (موسوی، ۵۱/۱۳) و شاه ولی الله (موسوی، ۵۱/۱۳) علمایی هستند که صدور روایت طیر را در باب فضیلتی برای امیرالمومنین عنه قطعی دانسته و با صیغه جزم از آن یاد کرده اند.

برخی از علما نیز تصریح به صحت روایت طیر کرده اند. از جمله این علما قاضی عبدالجبار معتزلی است که به نقل ابن شهر آشوب حدیث طیر نزد او صحیح است. (ابن شهر آشوب، ۲/۲۸۲؛ موسوی، ۱۳/۲۷۶).

### ۲-۵. قبول عملی اندیشمندان

افراد بزرگی در تاریخ هستند که با حدیث طیر معامله روایت قطعی الصدور نموده و با آن احتجاج کرده و یا این روایت را به نظم در آورده اند. به عنوان مثال می توان به سکوت اصحاب شورا در قبال بیان حدیث طیر که از ناحیه امیرالمومنین عنه انشاد شده است

(دهلوی، ۱۳۵۵ق، ۲۲/۲؛ موسوی، ۱۰۷/۱۳)، اشاره نمود. حسب تصریح قاضی عبدالجبار، مامون عباسی بواسطه همین حدیث شریف استدلال بر افضلیت امیرالمومنین علیه السلام نموده و اسحاق بن ابراهیم از فقهای عصر و چهل تن از فقهای بزرگ معاصر او نیز این روایت و صحتش را پذیرفته‌اند (ابن عبدربه، ۳۵۰/۵؛ موسوی، ۲۱۳/۱۳) و چندین شاعر نیز این روایت را به نظم در آورده‌اند که به اعتراف سیوطی همین مساله دلالت واضح بر صحت و صدور حدیث و شهرت آن در صدر و طبقه اول دارد (سیوطی، مکتبه شامله، ۱؛ موسوی، ۱۰۶/۱۳).

### ۶. قطعیت حدیث بنا بر مبانی قاضی عیاض

قاضی عیاض عبارتی را در کتاب شفا می‌نویسد که در آن جریانی مثل معجزه پیامبر صلی الله علیه و آله در تکثیر طعام و آب را قطعی می‌داند. علت او بر این مطلب این است که این جریان توسط عده زیادی از اصحاب نقل شده است (موسوی، ۱۱۳/۱۳) و از طرفی این معجزه در اجتماع مسلمین و در خندق و تبوک اتفاق افتاده است و هیچ یک از صحابه این جریان را انکار نکرده است. همین که اصحاب بر نقل این جریان سکوت کرده‌اند، از منظر قاضی عیاض مانند نطق ناطق خواهد بود. چرا که ایشان منزّه از سکوت بر باطل هستند و از طرف دیگر مانعی هم برای انکار ایشان وجود نداشت (قاضی عیاض، ۴۹۶/۱؛ موسوی، ۱۱۴/۱۳). مولفه‌هایی که قاضی عیاض برای قطعیت این معجزه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است در روایت واقعه طیر نیز وجود دارد (موسوی، ۱۱۴/۱۳).

همچنین قاضی عیاض در ادامه می‌نویسد که اخبار بی اصل و اساس و باطل به مرور زمان و تداول مردم از بین خواهد رفت و همین که معجزه‌ای از معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله با خبر واحد نیز به مسلمین رسیده باشد با وجود اینکه دشمنان سعی در نابودی این فضائل دارند، نشان از اتقان و صحت و قطعیت آن روایت دارد (قاضی عیاض، ۴۹۸/۱). این سخن از ایشان نیز در جریان طیر قابل تطبیق است چرا که با وجود این همه دشمنی با امیرالمومنین علیه السلام در طول تاریخ و انگیزه‌هایی که برای مخفی ماندن فضائل ایشان وجود داشت، چندین خبر از اصحاب به دست رسیده است و این نشان از قوت این خبر و قطعیت آن نزد ناقلین دارد (موسوی، ۱۱۵/۱۳).

## سخن پایانی

رهاورد مهم نوشتار حاضر این است که در برخی روایات بدون در نظر گرفتن سلسله روایات و ارزیابی شخصیت تک تک راویان میتوان استناد به آن روایات را محکم ساخت. برای این مقصد، مسیرهایی از جمله تواتر سازی، بررسی شهرت روایت، بررسی اعتبار کتابهایی که نقل آن روایت نموده اند، تعامل علما با روایت و بررسی مبانی اهل سنت برای رویارویی صحیح در مسائل کلامی وجود دارد. گاه روایتی به چند طریق از همین وجوه مورد تایید قرار می‌گیرد و وثوق به صدور حاصل می‌گردد ولی باید توجه داشت که برخی از طرق مذکور از جمله اثبات تواتر حدیث به تنهایی در مساوات با وثوق به صدور حدیث خواهد بود و به اجماع فریقین عدالت روایات نیز برای حصول آن شرط نیست. شیوه میرحامد حسین در اثبات صدور احادیث هر چند به صورت جدلی است ولی در کل باعث اقناع و رهیافت به حقیقت نیز خواهد بود.

## فهرست منابع

- ابن اثیر، علی بن ابي الكرم محمد بن محمد بن عبد الكريم، ۱۴۱۵ ق، أسد الغابة في معرفة الصحابة، علي محمد معوض و عادل أحمد عبد الموجود، بی جا، دار الکتب العلمیة
- ابن الوزیر، محمد بن ابراهیم بن علی، بی تا، الرّوضُ الباسمُ في الدّبِّ عَنْ شَئْنَةِ أَبِي الْقَاسِمِ، بی جا، دار عالم الفوائد للنشر والتوزيع
- ابن تیمیّه، أحمد بن عبد الحلیم، ۱۴۱۶ ق، مجموع الفتاوی، المدینة النبویة، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف
- ، ۱۴۱۵ ق، بغية المرتاد في الرد على المتفلسفة والقرامطة والباطنية، موسى الدويش، مدینه، مكتبة العلوم والحكم
- ابن حبان، محمد بن حبان بن أحمد بن حبان، ۱۳۹۳ ق، الثقات، حيدر آباد، دائرة المعارف العثمانية
- ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، مناقب آل أبي طالب، محمد حسين آشتيانی و هاشم رسولی، قم، علامه ابن عبد ربه، أحمد بن محمد، ۱۴۰۴ ق، العقد الفريد، بيروت، دار الکتب العلمیة
- ابن عساکر، علي بن الحسن ابن هبة الله، ۱۴۱۵ ق، تاريخ مدينة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل أو اجتاز بنواحيها من وارديةا وأهلها، محب الدين أبو سعيد عمر بن غرامة العمروي، بی جا، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزيع
- ابن كثير، إسماعيل بن عمر، ۱۴۲۴ ق، البداية والنهاية، عبد الله بن عبد المحسن التركي، بی جا، دار هجر للطباعة والنشر والتوزيع والإعلان

- ابن مغازلی، علي بن محمد بن محمد بن الطيب، ۱۴۲۴ ق، مناقب أمير المؤمنين علي بن أبي طالب، أبو عبد الرحمن تركي بن عبد الله الوداعي، صنعاء، دار الآثار
- ابونعيم اصفهانی، أحمد بن عبد الله، ۱۳۹۴ ق، حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، مصر، مطبعة السعادة
- أحمد بن حنبل، ۱۴۲۱ ق، مسند الإمام أحمد بن حنبل، شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد و دیگران، بی جا، مؤسسة الرسالة
- ، ۱۴۰۳ ق، فضائل الصحابة، وصي الله محمد عباس، بیروت، مؤسسة الرسالة
- اخطب خوارزم، موفق بن احمد، ۱۴۱۴ ق، المناقب، الشيخ مالك المحمودي، بی جا، مؤسسة النشر الإسلامي،
- ایجی، عضد الدین، ۱۴۲۴ ق، شرح مختصر المنتهی الأصولی للإمام أبي عمرو عثمان ابن الحاجب المالکي، محمد حسن إسماعیل، بیروت، دار الکتب العلمیة
- بزار، أحمد بن عمرو بن عبد الخالق، ۲۰۰۹ م، مسند البزار، محفوظ الرحمن زین الله، عادل بن سعد، صبري عبد الخالق الشافعي، مدینه، مكتبة العلوم والحكم
- بلادری، أحمد بن يحيى بن جابر، ۱۴۱۷ ق، جمل من أنساب الأشراف، سهيل زكار ورياض الزركلي، بیروت، دار الفكر
- ترمذی، محمد بن عيسى بن سَورة، ۱۳۹۵ ق، سنن الترمذی، أحمد محمد شاکر و محمد فؤاد عبد الباقي و ابراهيم عطوة عوض، مصر، شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي
- جرجانی، علي بن محمد بن علي، ۱۳۵۰ ق، الديباج المذهب في مصطلح الحديث، مصر، مطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده
- حاكم نیشابوری، محمد بن عبد الله، ۱۴۱۱ ق، المستدرک علی الصحیحین، مصطفى عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة
- حسینی بخاری، محمد صدیق خان بن حسن، ۱۴۰۵ ق، الحطة في ذكر الصحاح الستة، بیروت، دار الکتب التعليمية
- حموی، محمد بن إبراهيم بن سعد الله، ۱۴۰۶ ق، المنهل الروي في مختصر علوم الحديث النبوي، محيي الدين عبد الرحمن رمضان، دمشق، دار الفكر
- دهلوی، شاه ولی الله، بی تا، الارشاد الی مهمات علم الاسناد، سایت جامع الکتب الاسلامیة
- ، ۱۳۵۵ ق، التفهيمات الالهيه، بی جا، المجلس العالمی
- دهلوی، عبدالعزيز، ۱۴۳۲ ق، تحفه اثني عشریه، استانبول، مكتبة الحقيقة
- ذهبی، محمد بن أحمد بن عثمان، ۱۴۱۹ ق، تذكرة الحفاظ، بیروت، دار الکتب العلمیة
- زركشى، أبو عبد الله بدر الدين محمد بن عبد الله بن بهادر، ۱۴۱۹ ق، النكت علی مقدمة ابن الصلاح، زین العابدين بن محمد بلا فريج، رياض، أضواء السلف
- سبکی، عبد الوهاب، ۱۴۱۹ ق، شفاء الاسقام، بی جا، بی نا

- ، ۱۴۱۳ ق، طبقات الشافعية الكبرى، محمود محمد الطناحي و عبد الفتاح محمد الحلو،  
بی جا، هجر للطباعة والنشر والتوزيع
- سیوطی، عبد الرحمن بن أبي بكر، الازدهار في ما عقده الشعراء من الأحاديث والآثار، شامله نسخه ۳، ۵۱  
-----، بی تا، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، أبو قتیبة نظر محمد الفاریابی، بی جا، دار  
طیبه
- شافعی، محمد بن طلحه، بی تا، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، کتابخانه فقاہت  
صفوری، عبد الرحمن بن عبد السلام، ۱۲۸۳ق، نزہة المجالس ومنتخب النفاثس، مصر، المطبعة الكاستلية  
طحاوی، أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة، ۱۴۱۴ق، شرح معانی الآثار، بی جا، عالم الکتب  
عسقلانی، أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر، ۱۴۲۱ ق، نزہة النظر فی توضیح نخبة الفكر فی  
مصطلح أهل الأثر، نور الدین عتر، دمشق، مطبعة الصباح
- ، ۱۴۲۰ ق، المطالبُ العالیةُ بِرِوَايَةِ المسانید الثمائیة، بی جا، دار العاصمة للنشر والتوزيع - دار  
الغیث للنشر والتوزيع
- ، ۱۳۷۹ق، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت، دار المعرفة  
علاء الدین بخاری، عبد العزیز بن أحمد بن محمد، بی تا، کشف الأسرار شرح أصول البرزوي، بی جا، دار  
الکتاب الإسلامي
- فخر رازی، محمد بن عمر بن حسن، ۱۴۱۸ق، المحصول، طه جابر فیاض العلوانی، بی جا، مؤسسة الرسالة  
قاضی عیاض، عیاض بن موسی بن عیاض، ۱۴۰۷ ق، الشفا بتعریف حقوق المصطفی، عمان، دار الفیحاء  
قرافی، أحمد بن إدريس بن عبد الرحمن، ۱۹۹۴م، الذخيرة، محمد حجي و سعید أعراب و محمد بو خبزة،  
بیروت، دار الغرب الإسلامي
- قرطبی، أبو محمد علی بن أحمد بن سعید بن حزم، بی تا، المحلی بالآثار، بیروت، دارالفکر، بیروت  
کتانی، أبو عبدالله محمد بن أبی الفیض جعفر بن إدريس الحسنی الإدریسی، بی تا، نظم المتناثر من  
الحديث المتواتر، مصر، دارالکتب السلفية
- مسعودی، ابوالحسن، ۱۳۶۳ش، مروج الذهب ومعادن الجوهر، قم، منشورات دار الهجرة  
مناوی، زین الدین محمد، ۱۳۵۶ ق، فیض التقدير شرح الجامع الصغیر، مصر، المكتبة التجارية الكبرى  
موسوی، میرحامد حسین، ۱۳۶۶ ش، عبققات الانوار فی امامة ائمة الاطهار، اصفهان، کتابخانه امیرالمومنین  
نوی، یحیی بن شرف، ۱۳۹۲ ق، المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، بیروت، دار إحياء التراث العربي  
همدانی، محمد بن موسی بن عثمان، ۱۳۵۹ ق، الاعتبار فی الناسخ و المنسوخ من الآثار، حیدرآباد، دائرة  
المعارف العثمانية
- هیتمی، أبی العباس أحمد بن محمد بن محمد بن علی بن حجر، ۱۹۹۷م، الصواعق المحرقة علی أهل  
الرفض والضلال والزندقة، بیروت، مؤسسة الرسالة